پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستـان و بلوچستـــان
سال یازدهم، شماره‌ی بیستم، بهار و تابستان ۱۳۹۲ (صص: ۱۶۰-۱۴۳)

بررسی مقایسه ای تغزّل شریف رضی و غزل سعدی

دکتر وحید سبزیان‌پور* **پریسا کاظمی**** **دکتر پیمان صالحی*****

چکیده

از رهگذر ادبیات مقایسه ای، در این پژوهش، تلاش نموده‌ایم تصاویر و مضامین به کار رفته در غزلیات شریف رضی و سعدی را با هم مقایسه کنیم و تطبیق دهیم. علی‌رغم اینکه تفاوت‌های زیادی در سبک غزل سرایی و نوع نگرش آنها نسبت به مسأله عشق، وجود دارد؛ عناصر و مضامین مـشترک فراوانی در غزلیات این دو شاعر دیده می‌شود که اگر این مسأله‌ی را نه از باب تقلیـد سـعدی کـه از باب توارد بدانیم؛ باز هم دلایلی چون آشنایی سعدی با زبان عربی و تأثیرپذیری وی از ادیبان نامـدار عرب از یک سو و شهرت شریف رضی به عنوان برجسته‌ترین غزل سرای ادب عربی از دیگـر سـو، احتمال متأثّر شدن سعدی از شریف رضی را فزونی می‌بخشد. از دیگر نتـایج پـژوهش مـذکور ایـن است که غزل شریف، خشن و یادآور سبک جاهلی است. در مقابل، شـعر سـعدی بـه خـاطر محـیط جذّاب شیراز، زیبا و دلنشین است و در غزل وی علاوه بر تشبیهات زیبا، آرایـه‌هـایی چـون تناسـب، تضاد، جناس، ایهام و... از بسامد بالاتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: شریف رضی، سعدی، غزل، حجازیات، ادبیات مقایسه ای.

---

* Email: v.sabzianpour@razi.ac.it
دانشیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

** Email: pkazemi42@pnu.ac.ir
مربی دانشگاه پیام نور

*** Email:p. salehi @ilam.ac.ir
استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۷

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

صاحبنظران معتقدند بین هیچ کدام از فرهنگ‌ها به اندازه‌ی دو فرهنگ ایرانی و عربی، تعامل و تبادل فرهنگی صورت نگرفته است. یاقوت حموی درباره‌ی یک ایرانی به نام «احمد بن محمد التشتی الخارزنجی» نوشته است وقتی وارد بغداد شد تسلّط او به زبان عربی موجب شگفتی ادیبان عرب شد. آنها گفتند: این خراسانی وارد بادیه نشده، ادیب‌ترین مردمان است. او در پاسخ گفت: «انا بین عربین بشت و طوس» من در میان دو قوم عرب هستم بشت و طوس (یاقوت حموی، ۱٤۱۱ق.: ٦۰۳/۱)؛ زیرا همگی در مدرسه‌های مشترکی چون نظامیه درس می‌خواندند. تا آنجا که حتی ایرانیان به عربی شعر می‌گفتند. فضای حاکم بر ۳ قرن اول ایران پس از اسلام چنان عربی است که حتی در دربار نخستین دولت ایرانی مستقل عرب ستیز، همه چیز عربی است «شعرا شعر گفتندی به تازی... در آن روزگار نامه پارسی نبود... و شعر میان ایشان به تازی بود و همگنان را معرفت شعر تازی بود» (بی‌نام، ۱۳۱٤: ۲۰۹)، ثعالبی تعداد شاعران عربی سرای دربار سامانی را ۱۱۹ نفر می‌شمارد (ناتل خانلری، ۱۳۷۰: ۳۰۸/۱) و از قرن چهارم به بعد بسیاری از شاعران دو زبانه می‌شوند (زیدان، ۱۷۹۸م.: ٥۲۹/۲). و در دوره‌های بعد در سبک عراقی آمیختگی شعر و ادب فارسی به امثال و اشعار عربی امری رایج می‌گردد چنانکه در مثنوی، گلستان و اشعار حافظ این امر به وضوح مشهود است.

بنابراین می توان گفت که کمتر مضمون یا تعبیری در ادب فارسی و عربی دیده می‌شود که قبل از آن در آثار گذشتگان به کار نرفته باشد. امّا پیش از وارد شدن به بحث مقایسه ی غزلیات شریف رضی با سعدی، لازم است چند نکته مورد بررسی قرار گیرد:

الف: جایگاه و منزلت شاعری شریف:شعر شریف رضی باعث شگفتی ادیبان و ناقدان قدیم و جدید شده و به خاطر زیبایی و تازگی‌اش توجّه بسیاری از آنان را به خود جلب کرده است. قدما در مورد وی گفته‌اند: تا کسی هاشمیات کمیت، خمریات ابونواس، زهدیات ابوالعتاهیه، تشبیهات ابن معتز، مدائح بحتری و حجازیات شریف را حفظ نکند، شایسته عنوان ادیب نیست (فاخوری، ۱۳۸۰: ٦٦۸). برخی صاحبنظران وی را بزرگترین شاعر غزل سرای زبان عرب دانسته اند(حلاوی، ۱۹۹۹م.: ٥۱). ثعالبی به دلیل روان و عمیق‌بودن شعرش،

Archive of SID
www.SID.ir

وی را بزرگترین شاعر قریش معرفی می‌کند (ثعالبی، بی‌تا: ۱۳۱). و سرانجام باید گفت: «لفظ شریف، لفظی جذّاب است،در لغت او متانت و روانی با هم جمع است. گستره‌ی دیوان این شاعر، بسیار زیاد و فرورفتن در آن مانند شنا کردن در دریاست» (شیبانی، ١٤١٥: ۳۱۳).

ب: حجازیات و رابطه‌ی آن با غزل‌های شریف:حجازیات در حدود٤٠ قصیده است که شریف رضی آنها را در مسیر حج سروده و احساسات عاشقانه و نبوغ وی در آنها شکوفا شده است. برخی غزل‌ها و حجازیات شریف را تحت یک عنوان بررسی کرده‌اند (فاخوری،۱۳۸۰: ٦٦٨). «بعضی دیگر نیز آنها را در ذیل نسیب و غزل وی قرار داده‌اند» (جاسم، ۱۹۸٦: ۱۹). عدّه‌ای نیز معتقدند که حجازیات، شیوه‌ی تغزّلی شریف را به بهترین شکل نشان می‌دهد (نورالدین، ۱۹۹۰: ٨٦).

ج: منشأ غزل فارسی:در مورد منشأ غزل فارسی، آرای گوناگونی وجود دارد. برخی عقیده دارند که باید بین غزل به معنی عام و خاص آن تمایز قائل بود. منشأ غزل به معنی عام (مصطلح) که با سعدی به کمال خود رسیده، به ترانه‌ها و اشعار عامیانه می‌رسد که این اشعار عامیانه در دربارها تحت تأثیر شعر رسمی عربی، به صورت غزل درآمده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۵).وبعضی معتقدندکه بعضی قالب‌های شعری فارسی مانند قصیده، مثنوی، غزل و ترجیع بند، تحت تأثیر شعر عربی به وجود آمده است (فرشید ورد، ۱۳۷۸: ۸۲۳ – ۸۲۲).ودر مقابل، گروهی بر این باورند که غزل به عنوان یک غرض مستقل، از ابتکارهای ایرانیان بوده و این فنّ، نزد عرب به صورت فنّی مستقل تا عصر عباسی و بعد از آن وجود نداشته است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۶ – ۵۵). اما اگر بپذیریم که ایرانیان قالب قصیده را از شعر عرب اقتباس کرده‌اند و در این فنّ، پیرو شعرای عرب بوده‌اند (ذوالقدر، ۱۳۷۶: ۲۰۸)، در این صورت به نظر نگارندگان، چندین دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد قالب غزل، برگرفته از قصیده‌ای است که از عرب‌ها تقلید شده است، از جمله: ۱- وجه تسمیه غزل، خود نمودار آن است که از تغزّل، یعنی ابیات آغازین قصیده گرفته شده است. اساساً رعایت عرف شعری و رسوم شاعران عرب، چنین بوده که آنان غزل را برای شروع قصیده می‌سروده‌اند. ۲- شمار ابیات تغزّل در قصاید عربی، تقریباً با تعداد ابیات غزل فارسی یکسان است. ۳- کاربرد اصطلاح «تخلص» در غزل فارسی و قصیده، نمی‌تواند اتّفاقی باشد. ۴- بیت پایانی غزل، «مقطع» نام

Archive of SID
www.SID.ir

دارد که به معنی برش و جدایی است و این شاهد دیگری است بر آنکه غزل را دنباله‌ای بوده و با این بیت، آن را از دنباله‌اش بریده‌اند.

د: جایگاه و منزلت سعدی در غزل:غزل سعدی را از نظر روانی و زیبایی و فصاحت و بلاغت، منتهای زبان فارسی دانسته‌اند. سخن او سهل و ممتنع و دارای الفاظ همه فهم و در عین حال فصیح است، چرا که در گزینش لفظ برای بیان معنی، کمال ذوق و حسن سلیقه را به کار برده و ساده‌ترین و رساترین واژه‌ها را در نسج کلام آورده است (خطیب رهبر، ۱۳۸۲: ۲۵ – ۱۳؛ یوسفی، ۱۳٦٤: ٤-۳).

ه: آشنایی سعدی با زبان عربی و تأثیرپذیری از آن:در مورد اینکه خطّ فکری وسبک هنری سعدی از چه سرچشمه‌ای سیراب می‌شود، نظریات مختلفی وجود دارد. برخی محققان، از جمله: رستگار فسایی (۱۳٦۳: ٤۱ – ۳۸)، هنینگ (۱۳٦۹: ۲۹٤ – ۲٦۹)، سبزیان‌پور(۱۳۹۰: ۷٦– ٤۹) و...معتقدند که در کنار بهره‌مندی سعدی از فرهنگ عربی و اسلامی؛ بسیاری از تفکّرات این شاعر از فرهنگ و تمدّن ایران باستان سرچشمه می‌گیرد، امّا وجود لغت‌ها و مثل‌های عربی فراوان در آثار سعدی، موجب شده تا بسیاری از محققان، سرچشمه‌ی تفکّرات و مضمون‌گیری وی را دنیای عرب بدانند از جمله این افراد؛حسینعلی محفوظ است که در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «متنبی و سعدی»، ۸۸ مأخذ از گفته‌های سعدی را از امثال عربی و ۱٤ حکایت او را از قصص عربی ذکر می‌کند. علاوه بر محفوظ، در کنار شارحان آثار سعدی مانند خزائلی، یوسفی و خطیب رهبر،غالب سعدی پژوهان، معتقدندکه بسیاری از مضامین سعدی، ریشه در فرهنگ اسلامی داشته و یا ترجمه‌ای از اخبار و آثار عربی است (مؤید شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۶).

و: چرا شریف رضی و سعدی؟:در اینجا این سؤال پیش می‌آید که با وجود همه تفاوتهایی که در افکار و نوع نگرش این دو شاعر، نسبت به هستی و خصوصاً مسأله عشق وجود دارد؛ این مقایسه چه توجیهی‌می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت: جایگاه برجسته این دو شاعر به عنوان بزرگترین غزل سرایان ادب فارسی و عربی، شهرت آنان به أخذ و اقتباس از گویندگان پیشین و داشتن اشعار غزلی با مضامین و تصاویر مشترک فراوان، همه و همه نگارندگان بر آن داشته تا به انجام چنین مقایسه‌ای همّت گمارد.

Archive of SID
www.SID.ir

ز: پیشینه تحقیق:در خصوص غزل سعدی، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «شور عطف (در بررسی نشانه «و» عطف در صد غزل سعدی)»، ۱۳۸۲، اثر نسرین فقیه مرزبان، نویسنده در این مقاله به بررسی موارد فصل و وصل، کارکرد نحوی و کارکرد معناشناختی واو عطف در غزل سعدی پرداخته است، «تحلیل کاربرد هنری فعل در غزل‌های سعدی»، ۱۳۸۲، اثر نعمت اله ایران زاده که نویسنده در این مقاله کاربرد بلاغی فعل های به کار رفته در غزلیات سعدی را با ذکر شواهد فراوان از این شاعر، مورد بررسی قرار داده است. «تشبیهات هنری در غزل سعدی» ۱۳۸۴، نوشته یحیی طالبیان، که نویسنده به بررسی انواع تشبیهات به کار رفته در غزل سعدی با ذکر شواهد متعدد پرداخته است. و دهها پژوهش دیگر نیز در خصوص غزل سعدی صورت گرفته است، اما در خصوص شریف رضی پژوهشی که به طور خاص غزل‌های این شاعر را مورد بررسی قرار داده باشد، صورت نگرفته است. تفاوت کار این پژوهش به تحقیقات انجام شده در خصوص غزلیات سعدی، در ذیل این مبحث با عنوان «شیوه کار» آمده است.

ک: شیوه کار: دراین پژوهش، غزلیات دو شاعر در دو محور اصلی بررسی شده است: یکی عناصر مشترک تصویرساز و دیگری مضامین تغزّلی مشترک. عناصر مشترک تصویرساز، در سه بخش ۱- طبیعی؛ شامل خورشید و ماه، ۲- جنگی؛ شامل شمشیر، زره و تیر، ۳- حیوانات؛ که از میان آنها فقط آهو، مورد بررسی قرار گرفته است و در قسمت مضامین تغزّلی مشترک، علاوه بر چشم و ویژگی‌های آن، مسائل مربوط به عشق، عاشق و معشوق نیز در سه بخش، مطرح شده است. روش کار به این صورت بوده که در هر زمینه، ابتدا اشعار شریف آورده شده و نکات بلاغی و هنرنمایی‌های شاعر در آنها واکاوی شده و در ادامه، همین کار با شواهد شعری سعدی، صورت گرفته است. در پایان، سعی شده تا با دلیل، برتری هر کدام بر دیگری، مشخّص شود. شایان یادآوری است که شواهد شعری عناصر تصویرساز و موضوعات غزل در اشعار این دو شاعر، هرگز محدود به نمونه‌های ارائه شده در این مقاله نیست و ما برای رعات اختصار در هر مورد، به ذکر نمونه‌ای اکتفا کرده‌ایم.

۱- عناصر مشترک در تصویرسازی غزلیات سعدی و شریف رضی:عناصر مشترک تصویرساز دو شاعر در سه بخش طبیعی، جنگی و حیوانات، مورد بررسی قرار گرفته است:

Archive of SID
www.SID.ir

۱- ۱- عناصر طبیعی

از میان عناصر طبیعی یی که همواره دستاویز این دو شاعر بوده و با استفاده از آنها، تشبیهاتی زیبا ساخته‌اند تا دلدادگی خود را به معشوق نشان دهند؛ عناصر خورشید، ماه، ابر، برق، باران و آتش در دیوان این دو شاعر، جلوه‌گری می‌کند، که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- ۱- ۱- خورشید: شریف رضی اینچنین از این عنصر بهره می‌برد:

شَمسٌ أُقَبِّلُ جِیدَها یومَ النَّوی و أجلُّ فاها (شریف رضی،۱۹۹۹م: غ ۶۷۱ب ۱۰)

ترجمه: اوخورشیدی‌است‌که در روزجدایی گردنش‌را می‌بوسم ودهانش‌راگرامی‌می‌دارم.

در این بیت خورشید از یک طرف، تشبیه بلیغ و از طرف دیگر استعاره مکنیه است.

دگر آفتاب رویت منمای آسمان را که قمر ز شرمساری بشکست چون هلالی

(سعدی، ۱۳۸۲:غ۵۹۳ ب ۱۰)

در مصراع اول، آفتاب رویت، تشبیه بلیغ است. اما هنر سعدی در مصراع دوم، جلوه‌گری کرده، چرا که شاعر از ادعای برتری مشبه‌به عدول می‌کند وبه برتری مشبه، تأکید می‌ورزد، او مشبه را ذاتی و اصیل می‌پندارد و مشبه‌به را نه تنها فرع می‌داند بلکه گاه نفی می‌کند و ویژگی‌هایی آن را نیز غرضی و وام گرفته از مشبه می‌داند و بدین وسیله، با آوردن تشبیهی تفضیلی، شکل و هیأت خیالی بیت، کامل‌تر می‌شود.

۲ - ۱ – ۱ – ماه: شریف رضی، چهره‌ی محبوب را در زیبایی، به ماه تشبیه می‌کند:

وَوَجهٌ لَو أنَّ البَدرَ یَحمِلُ شِبهَهُ أضاءَ اللَّیالِی مِن سَنی وَسَناءِ

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ۱ب ۲۰)

ترجمه:چهره‌ای‌که اگر ماه، مانندآن را داشت؛با بلندای‌نورش‌شب‌های‌تار را روشن می‌ساخت.

بهای روی تو بازار ماه و حور شکست چنان که معجز موسی ظلم جادو را

(سعدی،۱۳۸۲: غ ۲۱ ب۹)

هر دو شاعر چهره محبوب را زیباتر از ماه می‌دانند اما سعدی با استفاده از تشبیه تمثیل، قدرت خیال خود را به نمایش گذاشته است.

www.SID.ir

در مواردی، سعدی نه تنها مشبه را بر مشبه‌به ترجیح می‌دهد، بلکه همان خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب می‌کند و جنبه‌ی منفی و حداقل کم خاصیت و انفعالی، بدان نسبت می‌دهد و رابطه‌ی طرفین، مبدّل به تضاد و تقابل می‌شود:

سرو درآید زپای، گر تو بجنبی زجای ماه بیفتد به زیر، گر تو برآیی به بام

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۳۸۵ ب ۳)

۲ – ۱- **ابزار جنگی**: از میان ابزار و ادوات جنگی‌ای که بازیچه هنرنمایی‌های دو شاعر در تشبیهات عاشقانه آنها شده؛ شمشیر، زره و تیر، نمود بیشتری دارند:

۱ – ۲- ۱- شمشیر: شریف رضی، چشمان محبوب خود را چون شمشیری می‌داند که گرد و غبار را می‌شکافد:

لِحاظٌ کَما شَقَّ العَجاجَ مُهَنَّدٌ وَ وَجهٌ کَما جَلّي الظَلامَ شِهابُ

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ۲۳ب۳۲)

ترجمه: چشمانی که چون شمشیر هندی، گرد و غبار را می‌شکافد و چهره‌ای مانند شهاب که تاریکی‌ها را روشن می‌سازد.

چشمش به تیغ غمزهِ خونخوار خیره کش شهری گرفت، قوّت بیمار بنگرید

(سعدی،۱۳۸۲:غ ۲۹۲ب۱۰)

هر دو شاعر، چشمان نافذ و تأثیرگذار محبوب را به شمشیر، تشبیه کرده‌اند اما نکته‌ی بلاغی زیبا و پارادوکسی که در بیت سعدی وجود دارد، این است که چشم معشوق با وجود بیماری و ضعف و ناتوانی، شهری را تسخیر کرده است. تیغ غمزه، تشبیه بلیغ اضافی است و از این جهت که خونخوار بودن را به تیغ نسبت داده است، استعاره بالکنایه است.

۲ – ۲- ۱- زره: شریف رضی در این زمینه چنین می‌سراید:

یا غزالاً بین النِّقا والمصلّی لیس تبقی عَلَی نِبالک دِرعی

(شریف رضی، ۱۹۹۹: غ۳۵۷ب۴)

ترجمه:ای‌آهوی‌دشت«نقی» و «مصلّی»! به‌خاطرتیرهای‌نگاهت برتن من، زره‌ای نمانده است. ندا در این بیت برای اظهار تحسّر و اندوه است و از معنای اصلی خود عدول کرده است.یار

www.SID.ir

شور انگیز سعدی نیز با تیر نگاه و کمان ابرو از مقابل او می‌گذرد. تیری که، زره جان را می‌شکافد و بر دل می‌نشیند:

کیست آن فتنه که با تیر کمان می‌گذرد؟ وآن چه تیری است‌که در جوشن جان می‌گذرد؟

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۱۷۸ ب ۱)

سعدی با آوردن کلمات تیر، کمان، جوشن و فتنه (صنعت مراعات نظیر)،کارزار عاشقانه‌ای خلق کرده که هیچ عاشقی از آن جان سالم به در نمی‌برد. استفهام بلاغی موجود در بیت، در کنار حرکت ویژه‌ی معشوق که ذهن را وادار به تصویرسازی می‌کند، هنرنمایی شاعر را نشان می‌دهد.

۳ – ۲- ۱- تیر: هر دو شاعر، نگاه محبوب را چون تیری می‌دانند که از کمان ابروی او پرتاب می‌شود و به کمک مژگانی که چون پره به این تیرها چسپیده، به سوی قلب عاشق هدایت می‌شود و آن را می‌شکافد. شریف رضی با این عنصر، اینگونه به تصویرآفرینی دست زده است:

فَرَرتُ بِطَرفی مِن سِهام لِحاظِها وهل تُتَلَقّی اَسهُمٌ بِعُیونِ

(شریف رضی،۱۹۹۹: غ۶۲۴ب ۴)

ترجمه: چشمانم را از تیرهای نگاهش فراری دادم و آیا تیرها با چشم‌ها، دفع می‌شوند؟!

تشبیه بلیغ تیر نگاه (سهام لحاظ) و آوردن استفهام انکاری، بیت شریف رضی را زیبا و دلنشین کرده است. سعدی نیز چنین می‌سراید:

سعدی نگفتمت که مرو در کمند عشق که تیر نظر بیفکند افراسیاب را؟!

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۹ب۹)

شاعر، چشمان محبوب را به حدی نافذ و گیرا می‌داند که چون تیر در جان عاشق اثر می‌کند و رویین تنی چون افراسیاب را از پای در می‌آورد تا چه رسد به عاشق مسکین. در این بیت، دو تشبیه بلیغ کمند عشق و تیر نظر، خیال آفرینی شاعر را به حدّ اعلی رسانیده است. نخست شاعر در عشق چون کمند محبوب به دام افتاده سپس با تیر نگاهش از پای در آمده است. استفهام تقریری نیز زیبایی بیت را تکمیل کرده است.

www.SID.ir

شایان ذکر است که آوردن تخلّص در پایان غزل که در حقیقت، امضای گوینده به شمار می‌رود از روزگار سعدی و هم به همّت وی متداول شده است (خطیب رهبر، ۱۳۸۲: ۲۴).

۳ – ۱ – حیوانات(آهو): حیوانی که بیشترین کاربرد را در تصویرسازی این دو شاعر دارد، آهو است و از سه جهت قابل بررسی است:

۱ – ۳ – ۱ – اندام: هر دو شاعر از اندام آهو برای تصویرپردازی از اندام محبوب استفاده کرده‌اند. شریف رضی در این‌باره چنین می‌سراید:

یا غزالاً بین النِّقا و المصلّی لیس تبقی عَلَی نِبالک دِرعی

(شریف رضی،۱۹۹۹م.:غ۳۵۷ ب۴)

ترجمه:ای آهوی دشت «نقی» و«مصلّی»! به خاطر تیرهای نگاهت بر تن من زره‌ای نمانده است.

غزال،استعاره‌مصرّحه‌است‌که مستعارله (معشوق) حذف شده و غزال به عنوان مستعارمنه به جای آن آمده است و سعدی چنین می‌سراید:

عاقبت سر به بیابان نهد چون سعدی هر که در سر هوس چون تو غزالی دارد

(سعدی،۱۳۸۲:غ ۱۷۳ب ۹)

سعدی با ایهام، هنر شاعری خویش را در این بیت به اوج رسانده است، چرا که این بیت دو معنی دارد؛ یکی اینکه اگر کسی هوای معشوقی چون تو را در ذهن بپروراند، عاقبت دیوانه شده و سر به بیابان می‌گذارد و دیگر اینکه اگر کسی بخواهد غزالی چون تو را ببیند باید برای دیدن آن راهی بیابان شود.

۲ – ۳ – ۱ – چشم:هر دو شاعر از چشم آهو برای توصیف چشم معشوق، استفاده کرده‌اند. شریف رضی می‌گوید: وفی ذلک السِّرب الّذی تَرَیانهِ أحَمُّ غَضِیضُ النّاظرینِ کحیلُ

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ۴۷۱ب۴)

ترجمه: در آن دسته آهوانی که می‌بینید، آهویی است که چشمان سیاه و فرو افتاده و سرمه کشیده دارد.

تو آهو چشم نگذاری مرا از دست تا آنگه که همچون آهو از دستت نهم سر در بیابانی

(سعدی، ۱۳۸۲: غ۶۱۱ب۷)

www.SID.ir

آهو چشم در این بیت، تشبیه بلیغ است و تکرار مصوّت بلند «آ»، دریغ و حسرت عاشق را بیان می‌کند.

۳ – ۳ – ۱ – گردن:هر دو شاعر از گردن آهو برای تشبیه گردن یار به آن، بهره برده‌اند. شریف رضی با استفاده از این عنصر چنین می‌سراید:

کَم نأی بالنَّفـرِ عنّـا من غـزالٍ ومهـاۀ
آه من جیدٍ إلی الـدا ر کثیـرِ اللّـفتات! (شریف رضی،۱۹۹۹: غ۱۱۲ب ۱۵ – ۱۴)

ترجمه: در سرزمین «نفر» چه بسیار آهوان زیبارو و گاوان درشت چشم که از ما دور شدند. آه از آن گردن‌هایی که بسیار سرهای خود را به عقب برمی‌گردانند و به خانه‌هایشان می‌نگرند!

هیچ شک می‌نکنم کآهوی مشکین تتار شرم دارد ز تو مشکین خط آهو گردن
(سعدی، ۱۳۸۲: غ۴۶۴/ب۷)

سعدی در این بیت، ابتدا گردن محبوبش را در زیبایی به گردن آهو تشبیه کرده است، سپس پا را فراتر نهاده و گردن محبوبش را زیباتر از گردن آهو دانسته است و این همان تشبیه تفضیل است که با اغراق آمیز جلوه دادن سخن، به یاری خیال می‌آید. تناسب میان مشک و تتار و آهو، همچنین جناس تام در مشکین، هنرمندی سعدی را نشان می‌دهد.نکته قابل توجه این است که رنگ در شعر شریف رضی یا وجود ندارد یا اگر هست، خاکستری است و این نشانه تفاوت محیط جغرافیایی سعدی و شریف است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۷۱ – ۲۶۷). صاحب نظران سبک شعری شریف را نزدیک و شبیه به اشعار جاهلی می‌دانند، با اینکه شریف در بغداد و قرن چهارم زندگی می‌کرده، چون شاعران بادیه‌نشین شعر می‌سروده است (نورالدین، ۱۹۹۰: ۱٤۰).

۲- مضامین تغزّلی مشترک شریف رضی و سعدی

۱- ۲ - ویژگی‌های چشم

۱ – ۱ – ۲- بیماری: از مضمون‌های مشترک میان شریف رضی و سعدی، بیماری چشم معشوق است که هر دو به آن توجه داشته‌اند. شریف رضی می‌گوید:

جَلَونَ الحِداقَ النُّجلَ وَهی سَقامُنا وَوارَینَ أجیاداً وَسُودَ قُرونِ
(شریف رضی،۱۹۹۹: غ۶۲۴ب ۸)

www.SID.ir

ترجمه: چشم‌های درشتشان را که سبب بیماری ما بود، نمایان و آنگاه گردن‌ها و موهای سیاهشان را پنهان کردند.

مجاز به کار رفته در این بیت به این صورت است که؛ مسبّب (سقام)، بیان شده و از آن، سبب اراده شده است.سعدی نیز می‌گوید:

حال درویش چنان است که خال تو سیاه جسم دلریش چنان است که چشم تو سقیم

(سعدی، ۱۳۸۲: غ۴۳۲ب ۷)

چشم سقیم که نشان از ناز و کرشمه معشوق دارد، مشبه‌به برای حال خراب عاشق شده است.

۲ – ۱ – ۲- سحرانگیزی:شریف رضی، چشمان یار را سحرانگیز و کشنده می‌داند

وَیا ظَبَیاتِ الجِزعِ یَسنَحنَ غُدوَةً لَقَد طُلَّ مَن تَرشُقنَ بِالأعیُنِ النُّجل

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ۴۷۱ب۴)

ترجمه: ای آهوان دره «جزع» که صبحگاهان آشکار می‌شوید هر که را با چشمان زیبایتان مورد اصابت تیر قرار دهید، از پای در می‌آید.

در این بیت، «رشق» که به معنای پرتاب کردن است، برای نگاه کردن، استعاره آورده شده بنابراین استعاره تبعیه می‌باشد و ذکر «الأعین» که از ملائمات نگاه بوده، استعاره مجرده است.

گویی دو چشم جادوی عابد فریب او بر چشم من به سحر ببستند خواب را

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۹ب ۸)

چشم جادو، تشبیه بلیغ است. آوردن کلمه عابد بر زیبایی بیت افزوده زیرا از آن جهت که چنین چشمی حتی پارسایان را نیز می‌فریبد، حیرت انگیز است.

۲ – ۲ – عشق و خصال آن: سخن گفتن از عشق، هم دل انگیز و دلنشین است، هم سخت و دشوار؛ دل انگیز از آن جهت که حدیثش زخمه بر تار دل می‌زند و نغمه‌ی بی‌قرار جان را به فراسوی زیباترین مطلوب به پرواز در می‌آورد و فضای روح را با شمیم خوش بوی آن، عطرآگین می‌سازد و دشوار از آن رو که عشق، پدیده‌ای نفسانی و روحانی است که جز به وسیله خود عشق، به تعریف در نمی‌آید. علی‌رغم اینکه عشق شریف رضی، عفیفانه و عشق سعدی، اغلب زمینی است اما شباهت‌های آنها بسیار است از جمله:

Archive of SID
www.SID.ir

۱ – ۲ – ۲- سرگشتگی: هر دو معتقدند که عشق، سرگردانی عاشق به همراه دارد:

وَیـا رُبَّـمَـا وَالــهَـوی ضِــلَّـــهٔ تَری الـعَـیـــنُ مَـا لاتنالُ الـیدُ

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ۱۹۵ب۹)

ترجمه:وچه بسا که در عشق سرگشتگی است وچشم چیزی را می‌بیندکه دست نیافتنی است.

تا عقل داشتم، نگرفتم طریق عشق جائی دلـم برفت که حیران شود عقول

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۳۴۹ب۲)

۲ –۲ – ۲- بی‌درمانی: هر دو معتقدند عشق دردی است که طبیبان از علاج آن عاجزند:

دَعَـوا لِـی الأَطِـبّـاءَ الـعِرَاقَ لینظُرُوا سِقَامِی وَ مَا یغنی الأَطبَّاءُ فِی الحُبِّ

(شریف رضی،۱۹۹۹: غ۹۷/ب۱)

ترجمه: طبیبان عراق را دعوت کردند تا به بیماری من نظری بیفکنند و این در حالی است که پزشکان از درمان عشق ناتوانند.

مرض عشق نه دردیست که می شاید گفت با طـبیبان که درین باب نه دانشمندند

(سعدی،۱۳۸۲: غ ۲۲۸ب۷)

۳- ۲- صفات و حالات عاشق:ببینیم صفات و حالات عاشق در شعر شریف رضـی و سـعدی به چه صورت‌هایی جلوه‌گرشده است:

۱ – ۳ – ۲ - گریستن در فراق محبوب:شریف رضی و سعدی، تصاویر جانگدازی را از گریـه عاشق به نمایش گذاشته‌اند و می‌توان گفت که هر دو شاعر، تصویر تقریبـاً مـشترکی در ایـن زمینه دارند و گریان بودن چشمان و سوزان بودن درون را بیان کرده‌اند:

شَغَلتَ عَینی دُمُوعاً وَالحَـشي حُـرَقاً فَـکَیـفَ اَلَّفـتَ اُمــواهـاً وَنیرانَــا

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ ۶۱۸/ب ۳)

ترجمه: دیدگانم را با اشک و درونم را با آتش، مشغول سـاختی. پـس (بگـو بـدانم) چگونـه توانستی آب و آتش را با هم سازگار نمایی؟!

از درون سـوزناک و چـشمِ تـر نیمه‌ای در آتـشم نیمــی درآب

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۲۷ب ۳)

www.SID.ir

در هر دو شاهد، جمع کردن آب و آتش به شکل مجازی برای اشک و عشق، تضادّ هنری زیبایی آفریده است.در جایی دیگر، چه زیبا می‌سراید:

عاشقی می‌گفت و خوش خوش می‌گریست جـان بیاسایـد که جانـان قاتلست

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۷۲ب ۱۰)

۲ – ۳ – ۲ – رسوایی عاشق با اشک:هر دو شاعر، اشک را موجب آشکار شدن راز می‌دانند. به هر طریقی که عاشقان، عشق خود را کتمان کنند؛ اشک آن را برملا می‌کند:

فَلَم یـزالا إلـي أن نَمَّ بی نَـفَـسـی وَحدَّثَ الرَکبَ عَنّـی دَمعِـی الجاری

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ۲۶۹ب۹)

ترجمه: پیوسته این گونه بود تا این که نفسم، رازم را فاش کرد و اشک جـاریم در مـورد مـن با کاروانیان سخن گفت.

ماجـرای دل نمی‌گـفتـم بـه خلق آب چـشـمـم ترجمـانـی می‌کـنـد

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۲۴۵ب۵)

۴ – ۲ – خصال معشوق:در اغلب اشعار شاعران گذشته، هر جا سخن از معشوق است، سخن از زیبایی، دلربایی، بی‌وفایی و جفاکاری یار است، امّا این دو شاعر، بیشتر به خصال دیگری از او پرداخته‌اند، از جمله:

۱ – ۴ – ۲ – شفابخشی: محبوب با نگاه و لبخند و حتّی خیالش مانند طبیبی است کـه باعـث درمان عاشق می‌شود. هر دو شاعر در این زمینه، بیت‌هایی دارنـد کـه بـسیار بـه هـم نزدیـک است. شریف رضی می‌گوید:

وَفِـی القَـلـبِ داءٌ فی یَدیـکِ دَواؤُهُ ألا رُبَّ داءٍ لا یَـــراهُ طَـبیـبُ

(شریف رضی،۱۹۹۹غ۶۱ب۱۴)

ترجمه: و در دل من دردی است که درمان آن در دست‌هـای توسـت. چـه بـسیار دردی کـه طبیب از آن غافل است.

در این بیت، شریف رضی خود را به بیمار و محبوب را به طبیب تشبیه کرده است. سعدی نیز می‌گوید: کـه مـی‌داند دوای درد سعدی؟ کـه رنجـورند ازین عـلت طبـیبان

(سعدی، ۱۳۸۲: غ۴۴۸ب۱۱)

www.SID.ir

استفهام در این بیت در معنای انکاری به کار رفته و بیانگر حسرت شاعر است.

۲ – ۴ – ۲ – فریبندگی ظاهر: همواره ظاهر زیبا و دلربای معشوق، دستمایه‌ی اصلی غزل سرایان نامدار بوده است. ببینیم که این دو شاعر در این مورد چگونه، هنرنمایی کرده‌اند. علی‌رغم اینکه شریف رضی محبوبش را بداخلاق می‌داند اما فریب ظاهر وی را می‌خورد:

یا حَسَنَ الخَلقِ قَبیحَ الأخلاق إنّی عَلی ذاکَ إلَیکَ مُشتَاق

(شریف رضی،۱۹۹۹:غ۴۰۹ب۱)

ترجمه: ای زیبارویی که خُلق و خویت ناپسند است، من علی رغم این وضعیت، به تو مشتاقم.

سعدی معتقد است؛ کسی که به چهره‌ی زیبا عشق می‌ورزد، باید بار گران تندی و درشت خویی نکو رویان را نیز بر دوش کشد:

به عشق روی نکو، دل کسی دهد سعدی که احتمال کند خوی زشت نکو را

(سعدی، ۱۳۸۲: غ ۱۹ب)

نتیجه

– در غزل شریف، توصیف اندام معشوق، کم‌تر دیده می‌شود. در مقابل، سعدی بی‌هیچ پرده پوشی به مسأله‌ی عشق انسانی می‌پردازد.

– شعر سعدی به خاطر محیط متنوّع و جذّاب شیراز و شهرنشینی که در آن رواج داشته زیبا و دلنشین است و از این نظر بر شعر شریف که در مسیر حج و محیط خشک حجاز سروده شده، برتری دارد.

– در غزل سعدی علاوه بر تشبیهات زیبا، آرایه‌هایی چون تناسب، تضاد، جناس، ایهام و... از بسامد بالاتری نسبت به غزل شریف، برخوردار است.

– مقایسه تصاویر و مضامین به کار رفته در غزل شریف رضی و سعدی ما را به این نتیجه می‌رساند که با توجّه به محوریت معشوق در غزل، صرف نظر از جنسیت؛ سعدی، ظریف‌تر و عمیق‌تر درباره معشوق می‌اندیشد و می‌سراید. این همان نکته بسیار تأمّل برانگیزی است که نشان می‌دهد، سعدی نماینده فرهنگی است که در زمینه تجربه‌های فکری

Archive of SID
www.SID.ir

و زبانی از پیشینه قوی‌تری برخوردار است. شاید بتوان گفت؛ ماهیت معشوق در غزل؛ به هر شکل و زبان، بیان کننده چگونگی نگاه شاعر به انسان و ماهیت انسان آرمانی و منعکس کننده زمینه‌های تاریخی است.

– آشنایی سعدی با زبان عربی، برجستگی شریف رضی در غزل و تأثیرپذیری سعدی از ادیبان برجسته عرب، داشتن عناصر و مضامین مشترک فراوان در آثار این دو شاعر، همه و همه نشان از این دارد که به احتمال زیاد سعدی در غزل سرایی متأثّر از شریف رضی، بوده است.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

۱- ایران زاده، نعمت اله، **تحلیل کاربرد هنری فعل در غزل‌های سعدی**، نشریه پژوهشهای ادبی، شماره ۱، صص: ۶۲-۳۷، ۱۳۸۲.

۲- بی‌نام، **تاریخ سیستان**، به کوشش ملک الشعراي بهار، تهران، ۱۳۱۴ش.

۳- ثعالبی، ابومنصور، **یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر**، بیروت: دار العلم، بی‌تا.

۴- جاسم، عزیز، **الإغتراب فی حیاه والشعر الشریف الرضی**، بیروت: دار الأندلس، ۱۹۸۵م.

۵- حلاوی، محمود مصطفی، **دیوان الشریف الرضی**، الطبعه الأولی، بیروت: شرکه دار أرقم بن أبی الأرقم للطباعه والنشر، ۱۹۹۹م.

۶- خدیش، پگاه، **بررسی عناصر موسیقیایی در غزل سعدی**، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، شماره ۳،صص ۲۶۷ – ۲۵۳، ۱۳۸۶.

۷- خطیب رهبر، خلیل، **غزلیات سعدی**، چاپ ششم، تهران: انتشارات مهتاب، ۱۳۸۲.

۸- ذوالقدر، میمنت، **واژه نامه هنر شاعری** ، چاپ دوم، تهران: نشر کتاب مهناز، ۱۳۷۶.

۹-رستگارفسایی،منصور، **فردوسی و سعدی**، مجله‌کیهان فرهنگی،شماره۳۸،۱۰-۴۱،۱۳۶۳.

۱۰- زیدان، جرجی، **تاریخ آداب اللغه العربیه**، بیروت: دار مکتبه الحیاه، ۱۷۹۸م.

۱۱- سبزیان‌پور، وحید، **بازتاب حکمت ایرانی در آثار سعدی**، مجله بوستان ادب، دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره۳، پیاپی۹،صص ۷۶ – ۴۹، ۱۳۹۰.

۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا، **صور خیال در شعر فارسی**، چاپ ششم، تهران: آگاه، ۱۳۷۵.

۱۳- شمیسا، سیروس، **سیر غزل در شعر فارسی**، چاپ هفتم، تهران: فردوسی، ۱۳۸۶.

۱۴- شیبانی، محمد بن عبدالواحد، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۱۵- طالبیان، یحیی، **تشبیهات هنری در غزل سعدی**، نشریه ادب و زبان ،دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان، شماره ۱۷، صص: ۵۲-۲۷، ۱۳۸۴.

۱۶- فاخوری، حنا، **تاریخ الأدب العربی**، چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۸۰.

۱۷- فرشیدورد،خسرو، **درباره ادبیات و نقد ادبی**، چ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.

۱۸- فروغی، محمد علی، **کلیات سعدی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۶۸.

۱۹- فقیه‌مرزبان،نسرین،**شورعطف**،نشریه‌علوم انسانی‌الزهرا، شماره ۱۷، ۱۶۸-۱۴۵،۱۳۸۲.

۲۰- مؤید شیرازی، جعفر، **شناختی تازه از سعدی**، شیراز: نشر لوکس (نوید)، ۱۳۶۲.

Archive of SID
www.SID.ir

۲۱- ناتل خانلري، پرويز، **تاريخ زبان فارسی**، چاپ ششم، تهران: فردوس، ۱۳۷۰.

۲۲- نور الدين، جعفر حسين، **الأعلام من الأدباء و الشعراء**، بيروت: دارالعلم، ۱۹۹۰م.

۲۳- هنينگ، و. ب، **چند وام واژه سعدی در شاهنامه فردوسی**، با ترجمه مريم زر شناس، مجله فرهنگ، شماره ۷، ۲۹۴ – ۲۶۹، ۱۳۶۹.

۲۴- ياقوت الحموی،أبوعبدالله‌شهاب الدين،**معجم‌الأدباء**، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۱ق.

۲۵- يوسفی، غلامحسين، **كاغذِ زر**،چاپ اول، تهران: انتشارات يزدان، ۱۳۶۴.

Sources:

1-Unkhown author, **Sistan history**,edited by bahar, Tehran, 1945.

2-Saalebi,abumansoor,**yatimatoddahr fi mahasene ahlo asre,**bairut: daroelm.

4-Jasem ,aziz, **Al eghterab fi hayat vashearal Sharif alrazi**, Beirut: darolandolos, 1985.

5-Halavi, mahmood mostsfa, **Divan alsharif alrazi**, first edition, bairut: sherkat argham ebne abel argham lettebaate vannashr, 1999.

6-Khadish, pegah, **Musical elements in saedi`s poem**, Literature & culture research, no 3, pp 253- 267,2007.

7-Khatibrahbar, Khalil, **Saedi`s poems**, sixth edition, Tehran mahtab publication 2003.

8-Zolghadr,meymanat,**Poem`s art words**,second edition,Tehran: mahnazbook publication ,1997.

9-Rastegarfasayi, mansoor, **Ferdosi&saedi**, cultural keyhan magazine, no 10, p.p 38-41.1983.

10-ZeydanJorji ,**Tarikh adabol loghat alarabiat** ,bairut, darol maktabatolhayat , publication ,1798.

11-Sabzianpoor, vahid& mohammadreza soori, **A comparison between matenabbi`s& hafez`s common poem images** ,scientitic – research letter of kavosh name, year ninth, no 17, p.p 93-139, 2008.

12- ———— , **Anushervan and bozorgmehr`s advices in golestan**, literature and human sciences magazine, no 64, p.p 91-124, 2009.

13-Shafieikadkani, mohammadreza, **Fiction images in persian poem**, sixth edition, Tehran, agah publication, 1996.

14-Shamisa, sirus, **Det rip in persian poem**, seventh edition, Tehran, ferdosi, publication, 2010.

15-Sheibani, mohammadebnabdolvahed, **Alkamel fi alttarikh**, Bairut, darolkotobalelmiat, 1995.

16-Fahkuri, hanna, **Tarikholadabolarabi**, second edition, tehran, toospublicatio, 2001.

Archive of SID
www.SID.ir

17-Farshidvard, hkosrow, **In literature and criticisim**, third edition, Tehran, amirkabir publication, 1999.
18-Forughi, mohammadali, **Kolliatsaedi**, third edition, Tehran, ghoghnoos publication, 1989.
19-Moayyiedshirazi, **Jaefar,a new khowledg of saedi**, shiraz, loox publication, 1982.
20-Natelkhanlari, parviz, **Persian language history**, sixth edition, Tehran, ferdosi publication, 1982.
21-Nooroldin. Jaefarhossien, **Alaelammenalodaba va al shshoara**, bairut, darolelm, 1990.
22-Haning, W, B, **Some Word loans of saedi in ferdosi`s shah name**, translated by maryamzarshenas, culture magazin , no 1, pp 269-294, 1990.
23-Yaghoot al hamavi, abuabdollah shahabaldin, **Mojamol odaba**, bairut: darolkotobalelmiat publication, 1991.
24-Yoosefi, gholamhossien, **Golden paper** (note in literature and history) first edition, Tehran, yazdan publication, 1984.
25-Iran zade, neamatollah, **Analyzing artistic verb application in saedi`sodea**,serial of literature research,no 1, pp37- 62.2003.
26-Talebian, yahya, **Artistic metaphors in saedi`s odes**, serial of literature and language, college of literature and human sciences of kerman, no 17, pp 27- 52, 2005.
27-Faghihmarzban, nasrin, **Reference rapture at surveying <and > signs, reference in 100 saedi`s odes**, serial of human science azzahra)pp269- 294, 2003.

Archive of SID

www.SID.ir